

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجناب **جوادقناعتی** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی

که در تاریخ **94/6/9** از پایان نامه خود تحت عنوان **"قانون اساسی و مبانی حاکمیت الهی در**

جمهوری اسلامی ایران" با کسب نمره **17.75** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق گرایش عمومی

عنوان

قانون اساسی و مبانی حاکمیت الهی در جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما

دکتر علی شجاعی فرد

استاد مشاور

دکتر ایمان غلام نژاد

نگارش

جوادقناعتی

تابستان ۱۳۹۴

سپاسگزاری

خداوندا، چه مجید است نام تو در تمامی جهان سرآغاز، سپاس تو گویم که نخست آموزگار منی، و سپاس که مرا فرصت و توان تعلم عطا فرمودی لازم میدانم، تقدیر و سپاس خالصانه خود را از تمام اساتید، به جا آورم. که به جای اندیشه ها، اندیشیدن را به من آموختند، و در علم، همچون بارانند، و هیچگاه نمی پرسند این جامهای تهی از آن کیست.

دکتر علی شجاعی فرد

دکتر ایمان غلام نژاد

که با جوهری آراسته به خلوص و تواضع علمی، از کوچکترین راهنمایی در انجام پژوهش دریغ نورزیدند و همیشه خود را مدیون محبت ایشان میدانم که انسان شریف و بزرگواراند.

تقدیم به:

ساحت مقدس مادر سادات ، حضرت فاطمه زهرا(س) که محتاج عنایت شان هستم برای سعادت دنیا و آخرت .

پدر و مادرم با بوسه بر دستان پرمهرشان که دلیلی هستند برای آنچه که امروز از زندگی میخواهم .
همسر مهربان و فداکارم که با تحمل و بردباری، پشتوانه بزرگی برای کسب موفقیت‌هایم بوده و در غم‌ها و شادی‌ها یار و یاورم هست .

پسر عزیزم آقا امیرعلی و دختر گلم فاطمه خانم که امیدهای زندگی ام هستند .
کسانی که در تدوین و نگارش این پایان نامه یاری ام کردند .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	بیان مساله :
۴.....	اهمیت و ضرورت انجام تحقیق و جنبه های نوآوری آن.....
۵.....	اهداف برجسته تحقیق.....
۵.....	پرسش های تحقیق.....
۵.....	فرضیه های تحقیق.....
۶.....	پیشینه تحقیق.....
۶.....	روش تحقیق.....
۷.....	فصل اول :
۷.....	مبانی اسلامی حق حاکمیت مردم در قانون اساسی.....
۸.....	جایگاه مردم در ساختار قانون اساسی.....
۹.....	حقوق مردم در قانون اساسی.....
۹.....	اصل خلافت انسان.....
۱۱.....	اصل کرامت انسان.....
۱۲.....	اصل برابری انسانها.....
۱۳.....	اصل آزادی اراده و اختیار.....

۱۴	اصل مسئولیت همگانی
۱۵	اصل امر به معروف و نهی از منکر
۱۶	اصل شورا
۱۸	اصل بیعت
۱۹	اصل نفی سلطه و استبداد
۲۱	خطاب های متوجه به جامعه
۲۳	ویژگی های مردمسالاری اسلامی
۲۹	فصل دوم:
۲۹	مشروعیت حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳۰	ملاک مشروعیت حکومت در اسلام
۳۱	جایگاه مشروعیت دینی در قانون اساسی
۳۱	توحید
۳۴	نبوت
۳۶	عدل
۳۸	امامت
۴۱	جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی
۴۳	ویژگی های قانون اساسی از منظر امام خمینی (ره)
۴۳	قانون اساسی با محوریت اسلام
۴۴	رأی ملت اعتباربخش به قانون اساسی
۴۷	حقوق موضوعه
۴۹	فصل سوم:
۴۹	جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۵۰	جایگاه کلیدی رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران
۵۱	وظایف و اختیارات رهبری در جمهوری اسلامی ایران
۵۲	تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی
۵۳	نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام:
۵۳	فرمان همه پرسی
۵۳	فرماندهی کل نیروهای مسلح

۵۴	روش های تعیین رهبر در جمهوری اسلامی ایران
۵۶	مجلس خبرگان و تعیین رهبری
۵۷	نظریات انتصاب و انتخاب در گزینش رهبری
۵۷	نظریه انتصاب
۵۸	جایگاه ولایت فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی
۶۲	مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی(ره)
۶۵	رابطه مشروعیت سیاسی با مراتب ولایت فقیه
۶۵	مبنای مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه و نظریات مختلف درباره آنها
۶۶	مبنای مشروعیت الهی بلاواسطه
۶۸	مبنای مشروعیت الهی مردمی
۷۵	فصل چهارم
۷۵	حاکمیت الهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۷۶	حاکمیت دینی
۸۰	حاکمیت دینی در قانون گذاری
۸۱	محورهای اصل دوم قانون اساسی
۸۱	پایه ها و ارکان نظام
۸۲	هدف های نظام
۸۳	روش های نظام
۸۴	محورهای اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۹۶	ضمانت اجرای اصل چهارم، جایگاه شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۹۷	وظیفه اصلی شورای نگهبان
۹۸	وظایف و اختیارات شورای نگهبان
۹۸	عضویت اعضای شورای نگهبان در شورای بازنگری قانون اساسی
۹۹	عضویت فقهای شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام
۹۹	عضویت یکی از فقهای شورای نگهبان در شورای موقت رهبری
۱۰۰	حضور در مراسم تحلیف ریاست جمهوری
۱۰۱	نتیجه گیری

فهرست مراجع و منابع فارسی ۱۰۳

فهرست مراجع و منابع انگلیسی ۱۰۷

چکیده انگلیسی ۱۰۸

چکیده

قانون اساسی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. انتخاب حکومت جمهوری اسلامی توسط مردم، نظام سیاسی کشور را مقید به اصول و موازینی نموده است که راهنمای جامعه و حاکم بر رفتار فرمانروایان و فرمانبرداران می باشد. لذا از این جهت اصول و موازین اسلامی بر هر یک از پایه های بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آثار غیر قابل انکاری دارد. تمامی فعالیت های سیاسی جامعه بر مبنای اعتقادی بودن نظام و بر پایه اصول دین و مذهب وفق اصل دوم قانون اساسی بنا شده و همچنین دین رسمی کشور، اسلام و مذهب شیعه مذهب رسمی جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ و در زمان غیبت امام معصوم، ولایت فقیه، اصل محوری نظام اسلامی بوده قانون اساسی با بیان ولایی - جمهوری بودن نظام نهاد رهبری را پیش بینی نموده است که در راس همه امور به عنوان ولایت امر و امامت امت اسلامی قرار دارند.

کلمات کلیدی: کلام، توحید، قانون اساسی، امامت، رهبری. حاکمیت الهی

مقدمه

قانون اساسی هر کشوری مبتنی بر مبانی نظری خاصی است که توجیه‌کننده گزاره‌ها و اعتباردهنده فصول و اصول آن به شمار می‌آید. در بیشتر موارد به این مبانی در مقدمه و در برخی اصول قانون اساسی اشاره شده است.

در واقع، فصل ممیز قوانین اساسی کشورها را باید در همین اصول بنیادین که از شأن هستی‌شناختی برخوردارند جست؛ اصولی که مواد دیگر را باید در پرتو این مبادی فهم قرار داد و گرنه اصول دیگر، علی‌رغم اهمیت، فصل مشترک قوانین اکثر کشورها محسوب می‌شود و به هیچ روی، بیانگر محتوا و ماهیت واقعی نظام سیاسی نیست. آنچه که جوهره اصلی و کانونی یک قانون اساسی را تشکیل می‌دهد، هسته ایدئولوژیک و جهان‌نگری مستتر در روح آن است که به حیات سیاسی و اجتماعی در آن جامعه معنا و سمت و سو می‌بخشد.

در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که با عنایت به ماهیت اسلامی نظام و سرچشمه گرفتن همه قوانین از شرع مقدس و با توجه به حضور پررنگ و جایگاه ممتاز روحانیان در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و دست بالا داشتن گرایش فقهی در طول جلسات این مجلس، مبانی کلامی اسلام که می‌توان از آن به اصول دین تعبیر نمود از چه جایگاهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی برخوردار است. تحقیق حاضر در راستای پاسخ به این پرسش یعنی جایگاه مبانی کلامی اسلام در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و درصدد تحلیل و بررسی این موضوع است.

از علم کلام به عنوان یکی از دانش‌های اسلامی، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. یکی از تعاریف مهمی که تاکنون با توجه به موضوع علم کلام از یک سو و هدف آن از سوی دیگر ارائه شده، تعریفی است که استاد مطهری بیان کرده است و همین تعریف، مبنای ما در این نوشتار است؛ براساس این تعریف:

علم کلام، علمی است که درباره اصول دین اسلام بحث می‌کند؛ به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آن استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید. (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴۷)

بر مبنای این تعریف، به زعم نگارنده، اصول دین که شامل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت می‌باشند، مهم‌ترین آموزه‌های دینی هستند که در حقیقت، مبانی کلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند و براساس این مبانی، اصول مختلف قانون اساسی تدوین شده‌اند. در بیان و تشریح مبانی مذکور البته اصل دوم قانون اساسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. براساس این اصل:

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

1. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛

2. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

3. معاد و نقش آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

4. عدل خدا در خلقت و تشریح؛

5. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

6. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. ...

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مجلس خبرگان قانون اساسی) در خصوص اهمیت و ضرورت وجود این اصول پنج‌گانه در قانون اساسی آمده است:

ما این اصول دین را برای تشریفات در اینجا ذکر نکرده‌ایم. قانون اساسی مسیر زندگی آینده ما را باید در همه شئون تعیین کند؛ در قانون‌گذاری، در کار، در بازرگانی و خلاصه در همه شئون. و آنچه که بیش از همه مسیر زندگی ما را تعیین می‌کند، اصول اعتقادی و ایمان ماست؛ ایمان به خدا، ایمان به نبوت، ایمان به امامت و ایمان به معاد. بنابراین چون قانون اساسی پایه سایر قوانین و همین‌طور پایه سایر شئون زندگی است؛ چون ایمان و اعتقاد به اصول دین دخالت دارد و پایه است باید ذکر شود. (بی‌نا، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۳۹)

در واقع، این سخنان پاسخ عده‌ای بود که آوردن عقاید اسلامی، اعتقاد به وجود خدا، وحدانیت خدا، صفات خدا و مسائل نبوت را لازم نمی‌دانستند و معتقد بودند:

یک موقع ما می‌خواهیم برای جوانان کتاب عقیدتی بنویسیم که از اول تا آخر عقایدمان این است، یک موقع نه، می‌خواهیم برای حکومت اسلامی اصولی تدوین کنیم... به نظر من این اصول اولیه در عین حالی که تمامش محترم است، ظاهراً لازم نیست. فقط اکتفا کنیم به آن اصول زنده چشمگیر اسلام در مسائل اقتصادی، اجتماعی، عدالتی و تربیتی. (همان: ۱ / ۲۱۹)

بیان مساله :

قانون اساسی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. انتخاب حکومت جمهوری اسلامی توسط مردم، نظام سیاسی کشور را مقید به اصول و موازینی نموده است که راهنمای جامعه و حاکم بر رفتار فرمانروایان و فرمانبرداران می‌باشد. لذا

از این جهت اصول و موازین اسلامی بر هر یک از پایه های بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آثار غیر قابل انکاری دارد. تمامی فعالیت های سیاسی جامعه بر مبنای اعتقادی بودن نظام و بر پایه اصول دین و مذهب وفق اصل دوم قانون اساسی بنا شده و همچنین دین رسمی کشور، اسلام و مذهب شیعه مذهب رسمی جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ و در زمان

غیبت امام معصوم، ولایت فقیه، اصل محوری نظام اسلامی بوده قانون اساسی با بیان ولایتی - جمهوری بودن نظام نهاد رهبری را پیش بینی نموده است که در راس همه امور به عنوان ولایت امر و امامت امت اسلامی قرار دارند.

حاکمیت نفس عالی قدرت سیاسی است که با به کار انداختن آن جامعه سیاسی راهبری می شود. درباره منشأ حاکمیت نظریات متنوعی ابراز شده است اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اصل حاکمیت وفق اصل ۵۶ دو مبنای الهی انسانی قائل شده است. اینکه حکم تنها از آن خداوند است، زیربنای تشکیل حکومت اسلامی می باشد. و قانون اساسی حاکمیت خداوند در جمهوری اسلامی ایران را از طریق اعمال قوانین اسلامی (قانونگذار اصلی خداوند بوده و اصل ۴ قانون اساسی) و از طریق رهبری اسلامی (اصل ۵ قانون اساسی) بیان می کند. در تضمین این حاکمیت الهی انسانی باید بیان نمود که اولاً حاکمیت مردم یک موهبت الهی است که هیچ کس حق سلب آن را از آنان ندارد و ثانیاً هیچ کس حق انتقال حاکمیت مردم را به فرد یا گروه خاص ندارد. قانون اساسی از طرف دیگر جلوه های مختلفی از مشارکت حقوقی (اصول ۱، ۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۶۲، ۱۰۰، قانون اساسی) سیاسی (اصل ۲۶ قانون اساسی) و اجتماعی (اصل ۸ قانون اساسی) از سوی مردم را پیش بینی نموده است.

اصل چهارم را پس از اصل دوم قانون اساسی می توان مهمترین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست ارزش و اهمیت این اصل از چند جهت است اول اینکه در لحن و بیان خود اصل و در قسمت اخیر اصل تعبیری به کار رفته است که در هیچ اصلی از قانون اساسی مشابه آن را نمی توان یافت. این اصل با بیان این که: « بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است» خود را فصل الخطاب همه اصول قرار داده است. بنابراین تعبیر آن به « اصل حاکم» تعبیری دقیقاً برگرفته از متن قانون اساسی می باشد. دوم اینکه وفق اظهارات اعضای محترم خبرگان کلیدی بودن اصل مزبور صراحتاً مورد تایید قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق و جنبه های نوآوری آن

مسئله حاکمیت و منشأ، مبانی آن و حکومت و نظام سیاسی بدون تردید از مهمترین مباحث حقوق عمومی در درون نظام داخلی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. اصول و موازین

اسلامی بر هر یک از پایه های بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، آثار غیر قابل انکاری دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با یک ابتکار جدید و تحت تاثیر نظریات حضرت امام (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی برای اصل حاکمیت وفق اصل ۵۶ دو مبنای الهی انسانی قائل شده است. که در خصوص مبانی حاکمیت الهی و جایگاه آن در قانون اساسی تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته و پژوهش پیش رو از این حیث کاملاً دارای جنبه های نوآوری است.

اهداف برجسته تحقیق

تشریح و مطالعه مبانی حاکمیت الهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تشریح و مطالعه مبانی حاکمیت انسانی (ملی و مردمی) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بررسی و تحلیل نظریات و اندیشه های متفاوت پیرامون منشا حاکمیت.

تبیین و تشریح مفهوم حاکمیت و بیان اصول آن و مقایسه آن با حکومت با تاکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران.

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی :

- منشا و مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده و حاکمیت الهی در قانون اساسی دارای چه جایگاهی است؟

پرسش های فرعی :

حاکمیت انسانی (ملی و مردمی) در قانون اساسی دارای چه جایگاهی است

فرضیه های تحقیق

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اصل حاکمیت وفق اصل ۵۶ دو مبنای الهی انسانی قائل شده است. اینکه حکم تنها از آن خداوند است ، زیربنای تشکیل حکومت اسلامی می باشد. و قانون اساسی حاکمیت خداوند در جمهوری اسلامی ایران را از طریق اعمال قوانین اسلامی (قانونگذار اصلی خداوند بوده و اصل ۴ قانون اساسی) و از طریق رهبری اسلامی (اصل ۵ قانون اساسی) بیان می کند.

فرضیه های فرعی :

جلوه های مختلفی از مشارکت حقوقی (اصول ۱، ۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۶۲، ۱۰۰، قانون اساسی) سیاسی (اصل ۲۶ قانون اساسی) و اجتماعی (اصل ۸ قانون اساسی) از سوی مردم را پیش بینی نموده است.

پیشینه تحقیق

قاضی (۱۳۷۰) در اثر خود در فصول چهارم و پنجم مفاهیم حکومت و حاکمیت، تاریخ نظری و انواع آن ها و مبانی حاکمیت به طور کلیات مورد اشاره قرار گرفته است. که در فصل ابتدایی این پژوهش (کلیات) مورد استفاده قرار می گیرد.

هاشمی (۱۳۷۵) در اثر خود ضمن تشریح مفهوم حاکمیت ، پیرامون انواع و یا به عبارتی منشا حاکمیت نظریات متعدد را بررسی و عنوان می نماید و اشاره می دارد که در نظریه حاکمیت الهی قدرت عالی سیاسی ناشی از اراده خداوند متعال است و زمامداران به نوعی دستورات خداوند را اطاعت می کنند و در نهایت نظریه فوق طبیعی و مکتب یزدانی رو تشریح می نماید که موارد مزبور در تحلیل متن گرایانه قانون اساسی مورد استفاده قرار می گیرد.

در مورد نظریات امام خمینی (ره) به دلیل جایگاه ویژه فقهی- سیاسی ایشان کتب و مقالات پرشماری به چاپ رسیده است که کاملترین آن مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه نور می باشد که شامل گفتار و نوشتار امام خمینی (ره) در طول حیات پرفروغ ایشان می باشد. البته آثار چندینی نیز در توضیح و شرح دیدگاههای امام خمینی وجود دارد که شاید کاملترین آن ها را بتوان کتاب اندیشه فقهی-سیاسی امام خمینی تألیف کاظم قاضی زاده دانست. وی در فصول ابتدایی این کتاب زندگی نامه و شرح مبارزات سیاسی امام خمینی را به تصویر کشیده و در فصول بعدی مفاهیمی چون حاکمیت و منشا آن ، اندیشه ولایت فقیه، چگونگی تعیین رئیس کشور و تکلیف گرایی را از دیدگاه امام بررسی نموده است

از دیگر کتبی که به بررسی دیدگاههای امام (ره) پرداخته اند می توان به صورت خلاصه به کتاب های اندیشه سیاسی امام خمینی تألیف عبدالوهاب فراقی، ولایت فقیه تألیف آیت الله جوادی آملی و تهذیب الاصول (تقریرات درسی امام خمینی) نوشته جعفر سبحانی اشاره نمود.

روش تحقیق

دست یابی به اطلاعات و مفاهیم مربوط به این تحقیق با استفاده از منابع نوشتاری و به شیوه کتابخانه ای انجام گرفته است. همچنین برای شرح و توضیح این اطلاعات از روش توصیفی، تحلیلی بهره خواهیم جست.

فصل اول : مبانی اسلامی حق حاکمیت مردم در قانون اساسی

جایگاه مردم در ساختار قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان مبنا و منشا قدرت دولت برحق حاکمیت مردم صحه گذاشته است. از آنجا که تدوین کنندگان این قانون فقهای اسلامی بوده اند بالضروره مبنای حق حاکمیت مردم در این قانون نیز از مبانی و آموزه های دینی نشأت گرفته است. این مقاله درصدد بررسی آن دسته از اصول و آموزه های اسلامی است که در زمان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی و به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم مد نظر تدوین کنندگان آن بوده و مبنای عمل قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره)، ابطال نظام سلطنتی را هدف سلبی و ایجاد جمهوری اسلامی را هدف ایجابی خود قرار داد. پس از پیروزی انقلاب در همه پرسی دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ ملت ایران با اکثریت قاطع بر شکل "جمهوری اسلامی" برای نظام جدید صحه گذاشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد نوع حکومت در مواضع مختلف به ارایه دیدگاه پرداخته است. از آن جمله در اصل اول بیان می‌کند: "حکومت ایران جمهوری اسلامی است..." سپس در اصل دوم می‌گوید: "جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکامل انسان به سوی خدا، ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح، ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا". قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل چهارم نیز بیان می‌دارد: "کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است." در اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: "در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد." در اصل ششم قانون اساسی بیان می‌دارد: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات.

انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از راه همه پرسی درموردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. "قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل پنجاه و ششم در خصوص منشأ حاکمیت می‌گوید: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند."

به طوری که از اصول فوق مشخص می‌شود، قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان یک قانون اساسی مدرن در تبیین منشأ قدرت نظام سیاسی جمهوری اسلامی توجه خاصی به حق حاکمیت مردم دارد. با این حال این پرسش مطرح می‌شود که محورهای دموکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون پذیرش انتخابات از جمله انتخاب رهبر در یک انتخابات دو درجه‌ای توسط خبرگان منتخب مردم، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخاب اعضای شوراهای و نیز پذیرش آزادی‌های فردی که روح حاکمیت مردم در آن ساری و جاری است بر چه مبنایی پایه گذاری شده است؟ فرض این مقاله این است که چون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط علمای اسلام تدوین شده ماهیت و محتوای اسلامی دارد و بر مبنای اصول و احکام دین اسلام استوار است. پس مبنای حق حاکمیت مردم به عنوان یکی از اساسی‌ترین محورهای قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر آموزه‌های اسلامی و عقلی مبتنی است. بنابراین در این مقاله به بررسی آن دسته از اصول و قواعد اسلامی که می‌تواند زیربنای تفویض حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از سوی خداوند به آنها و چگونگی اعمال این حق توسط مردم در چارچوب نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد، پرداخته می‌شود.

حقوق مردم در قانون اساسی اصل خلافت انسان

یکی از موضوعات مهمی که در بحث خلقت انسان مطرح می‌شود مسئله خلافت انسان بر روی زمین است. از دیدگاه قرآن، انسان خلیفه و جانشین خدا در زمین و عهده‌دار استقرار حاکمیت خدا و وارث نهایی زمین و حکومت در آن است. در آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره همزمان با اصل خلقت انسان خلافت او مطرح می‌شود. این آیات متعرض آن فرضی است که به خاطر آن انسان به سوی دنیا پایین آمده و حقیقت خلافت در زمین و آثار و خواص آن را بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۷).

خلیفه به معنی جانشین است. اما این که در بحث خلافت انسان در قرآن منظور از آن چه نوع جانشینی و یا جانشینی چه کسی و چه چیزی است، مفسران احتمالات گوناگونی مطرح کرده‌اند. بعضی گفته‌اند منظور جانشینی فرشتگانی است که قبلاً بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند و عده‌ای نیز آن را جانشین

انسانها یا موجودات دیگری تلقی کرده‌اند که قبلاً در زمین می‌زیسته‌اند. صاحب تفسیر المیزان در این خصوص چنین گفته است:

"ولی انصاف این است که... همانطور که بسیاری از محققان پذیرفته‌اند- منظور خلافت الهی و نمایندگی خدا در زمین است زیرا سوالی که بعد از این فرشتگان می‌کنند و می‌گویند نسل آدم ممکن است مبدأ فساد و خونریزی شود و ما تسبیح و تقدس تو می‌کنیم متناسب همین معنی است چرا که نمایندگی خدا در روی زمین با این کارها سازگار نیست" (تفسیر نمونه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۲).

همچنین وقتی خدا مسئله خلقت جانشین در زمین را خطاب به فرشتگان مطرح می‌کند پاسخ آنها مبنی بر این که «آیا می‌خواهی کسی را در زمین قرار دهی که در آن فساد و خونریزی می‌کند، در حالی که ما تسبیح و تقدس تو می‌کنیم؟»، اشعار بر این معنا دارد که ملائکه از کلام خدا (که فرمود "می‌خواهم در زمین خلیفه بگذارم") چنین فهمیده‌اند که این عمل باعث وقوع فساد و خونریزی در زمین می‌شود. چون می‌دانسته‌اند که موجود زمینی به خاطر این که مادی است باید مرکب از قوایی غضبی و شهوی باشد و چون زمین محل تراحم و محدودالجهات است، لاجرم زندگی در آن جز به صورت زندگی دسته جمعی و اجتماعی فراهم نمی‌شود و بقاً در آن به حد کمال نمی‌رسد. معلوم است که این نحوه زندگی بالاخره به فساد و خونریزی منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۷). اشارت فساد و خون ریختن هر چند که از روی لفظ به حضرت آدم می‌شود اما از روی معنی با فرزندان او نیز است؛ زیرا آدم نه خون ریخت و نه تباہکاری کرد بلکه فرزندان او این کار را کردند. این چنین امری در زبان عربی جایز است همانطوری که در بحث خلقت انسان از گل قرآن لفظ عام به کار می‌گیرد و می‌گوید "آن کسی است که شما را از گل آفرید" اما در واقع خلقت از گل فقط مخصوص حضرت آدم بود (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴).

وقتی خدا در آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره رسماً مسئله جانشینی انسان را مطرح می‌کند موقعیت معنوی او را که شایسته چنین موهبتی است، آشکار می‌کند. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۱). مقام خلافت همانطوری که از نام آن پیداست مصداق نمی‌یابد مگر این که خلیفه و جانشین نمایشگر مستخلف باشد و شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر او را که بخاطر تأمین آنها خلیفه و جانشین برای خود معین کرده است، حکایت کند. (شریعتی، بی تا، ص ۱۶) چنین موجودی می‌بایست سهم وافر از عقل و شعور و ادراک و استعداد داشته باشد که بتواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را بر عهده گیرد.

متفکر شهید سیدمحمدباقر صدر در تبیین مسئله خلافت نوع بشر بر روی زمین مقتضای اصل "جانشینی انسان در زمین" را حاکمیت سیاسی او تلقی می‌کند و معتقد است که اساس حکومت مردم بر خویش و مشروعیت حکومت جامعه بشری با این عنوان که انسان جانشین خداست پایه‌ریزی شده است. زیرا در